

Provide a Model for Assessing Financial Sustainability in the Social Security Organization¹

Anvar Enaiati², Gholamreza Kordestani³, Ataollah Mohammadi
Molgharni⁴

Received: 2021/09/23

Accepted: 2022/03/06

Research Paper

Abstract

Purpose: The social security system is considered as a basic prerequisite for economic, social and cultural development in any country and a lever with the importance of establishing social justice in the world's civil societies. Due to the high importance of the issue of financial sustainability assessment in the social security organization, this study aims to identify the factors affecting the financial sustainability of the country's social security organization and introduce strategies to improve the financial sustainability of the organization.

Methodology: Using the grounded theory method, through interviews with 19 experts by snowball sampling method, reviewing the research literature and consulting with experts, interview questions were designed as semi-structured interviews and data were collected.

Results: Findings show that demographic factors, employment level, coercive accidents, economic sanctions, resistance to controls, support ratio, human capital and insurance policies are considered as factors determining the financial sustainability of the social security organization. Political-economic factors, cultural contexts and insurance policy, and resource-expenditure management, appointment of managers, investment security, and government debt accumulation also affect an organization's financial sustainability. Actuarial calculations, regulatory system, multi-layered social security system, business environment, pension system reform, reform and improvement of financing systems, investment management, segregation of duties of the protection-insurance system, information system integration and implementation of government obligations as strategies affect the financial sustainability of the Social Security Organization. Financial stability of the social security organization improves the social welfare.

Conclusion: Based on the research results, it can be said that in order to achieve financial stability, the social security organization needs actuarial calculations, regulatory system, multi-layered social security system, business environment, pension system reform, financing system improvement, investment management, segregation of duties of the protection-insurance system and integration of the information system and the implementation of the government's obligations.

Contribution: Given the limited research that has been done in this field, this research provides a way to achieve financial sustainability scientifically and improving managers' decisions. The results of this study also expand the accounting literature in the field of financial sustainability and social security organization.

Keywords: Assessing Financial Sustainability, Financial Stability, Financial Stability Model, Social Security Organization.

JEL classification: Q56, H55.

1. DOI: 10.22051/JAASCI.2022.40183.1696

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. (anvar.enaiati@gmail.com)

3. Professor, Department of Accounting, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Corresponding Author. (kordestani@soc.ikiu.ac.ir)

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. (ata.mm@iausdj.ac.ir)



ارائه الگوی ارزیابی پایداری مالی در سازمان تامین اجتماعی^۱

انور عنایتی^۲، غلامرضا کردستانی^۳، عطاالله محمدی ملقرنی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف: نظام تامین اجتماعی به عنوان پیش نیاز اساسی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر کشور و اهم با اهمیت برقراری عدالت اجتماعی در جوامع مدنی جهان به شمار می رود. به دلیل اهمیت بالای مساله ارزیابی پایداری مالی در سازمان تامین اجتماعی، این پژوهش در صدد است تا عوامل مؤثر بر پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی کشور را شناسایی کند و راهبردهایی برای بهبود پایداری مالی سازمان معرفی نماید.

روش: با بکارگیری روش نظریه پردازی زمینه بنیان، از طریق مصاحبه با ۱۹ نفر از خبرگان به روش نمونه گیری گلوله برفی، با بررسی ادبیات پژوهش و مشاوره با خبرگان، سوالات مصاحبه، به صورت مصاحبه نیمه ساختاریافته طراحی و داده ها جمع آوری شد.

یافته ها: یافته ها نشان می دهد عوامل جمعیتی، سطح اشتغال، حوادث قهری، تحریم های اقتصادی، مقاومت در برابر کنترل ها، نسبت پشتیبانی، سرمایه های انسانی و سیاست های بیمه ای به عنوان عوامل تعیین کننده پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی به شمار می روند. همچنین، عوامل سیاسی / اقتصادی، بسترهای فرهنگی و سیاست گذاری بیمه ای و مدیریت منابع / مصارف، انتصاب مدیران، امنیت سرمایه گذاری و انباشت بدهی دولت، پایداری مالی سازمان را تحت تاثیر قرار می دهند. در محاسبات اکچوئری، نهاد تنظیم گری، نظام دادرسی تامین اجتماعی، نظام چندلایه تامین اجتماعی، مدیریت سرمایه گذاری و تفکیک وظایف نظام حمایتی / بیمه ای، را به عنوان راهبردها، بر پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی، تاثیر گذار هستند. پایداری مالی سازمان، رفاه اجتماعی را بهبود می بخشد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج پژوهش، می توان گفت سازمان تامین اجتماعی برای رسیدن به پایداری مالی، نیاز به محاسبات اکچوئری، نظام نظارتی، نظام چندلایه تامین اجتماعی، فضای کسب و کار، اصلاح نظام بازنشستگی، اصلاح و بهسازی سیستم های تامین مالی، مدیریت سرمایه گذاری، تفکیک وظایف نظام حمایتی / بیمه ای، یکپارچه سازی سیستم اطلاعاتی و اجرایی شدن تعهدات دولت را دارد.

دانش افزایی: با توجه به تحقیقات اندکی که در این زمینه انجام شده است، این پژوهش راه رسیدن به پایداری مالی از طریق علمی و بهبود تصمیم گیری مدیران را فراهم می کند. همچنین، نتایج این پژوهش، ادبیات حسابداری حوزه پایداری مالی و سازمان تامین اجتماعی را گسترش می دهد.

واژه های کلیدی: پایداری مالی، ارزیابی پایداری مالی، الگوی پایداری مالی، سازمان تامین اجتماعی

طبقه بندی موضوعی: Q56, H55

10.22051/JAASCI.2022.40183.1696 : DOI .۱

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. (anvar.enaiati@gmail.com).

۳. استاد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. نویسنده مسئول. (kordestani@soc.ikiu.ac.ir).

۴. استادیار، گروه حسابداری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. (ata.mm@iausdj.ac.ir).

مقدمه

تامین اجتماعی چیزی بیش از یک حق اساسی بشر است. تامین اجتماعی برای رفع طیف وسیعی از چالش‌های اجتماعی/اقتصادی کمک می‌کند و در نتیجه، جامعه پایدارتر خواهد بود. این مساله خصوصاً زمانی صادق است که پوشش جمعیت، کفایت و جامعیت لازم را دارد. در سطح جهانی، دسترسی به تامین اجتماعی هرگز بالاتر از مقادیر فعلی، نبوده و فقر شدید به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. عمده پیشرفت‌های اخیر نشان می‌دهد که شکاف‌های پوشش ملی در حال برطرف شدن هستند، اما چالش‌های مهمی همچنان ادامه دارد. برای این منظور، گسترش پوشش جمعیتی الزام برای همه ملل است، همانطور که در اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۳۰ مورد تایید قرار گرفته است و در آن کار مبتنی بر «ارتقای سطوح ملی حمایت اجتماعی»، نیز دیده می‌شود (۱۰ چالش جهانی تامین اجتماعی^۱).

نظام تامین اجتماعی ابزار استقرار امنیت، عدالت اجتماعی، رفاه و ثبات اجتماعی است و توسعه پایدار هر کشور با کمیت و کیفیت خدمات نظام تامین اجتماعی، رابطه‌ای مستقیم دارد. در ایران نیز، نظام تامین اجتماعی به جهت تکلیفی که اصل بیست و نهم قانون اساسی بر دوش دولت گذارده است، اهمیتی مضاعف می‌یابد. به موجب این اصل از قانون اساسی «برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره» حقی همگانی است. دولت موظف است، طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند. بنابراین همان‌گونه که قابل مشاهده است، حقوق تامین اجتماعی به‌عنوان یکی از حقوق قهری، عام و فراگیر و یکی از حقوق طبیعی شناخته در قانون اساسی که شامل مرور زمان نیز نخواهد شد، ریشه در مفهوم «برابری» دارد و از همین رو است که به‌عنوان یکی از حقوق نسل دوم حقوق بشر شناخته شده است (گلاب و همکاران، ۱۳۹۹).

سازمان تامین اجتماعی با پوشش بیش از نیمی از جمعیت کشور، نقش مهمی در نظام بازنشستگی ایفا می‌نماید. در چند دهه اخیر جمعیت ایران، تغییراتی را شاهد بوده که این تغییرات در

صندوق‌های بیمه‌ای بیشتر نمود پیدا کرده است. این بهم‌ریختگی هرم سنی جمعیت، به یکی از چالش‌های اقتصادی کشور تبدیل و در نهایت موجب افزایش فشار مالی بر صندوق‌های تامین اجتماعی خواهد شد. چالش‌های سازمان تامین اجتماعی شامل فرمول مستمری سخاوتمندانه، سن بازنشستگی پایین و عدم پرداخت حق بیمه‌های سهم دولت است. بر این اساس، گزینه‌های امکان‌پذیر پیشنهادات اصلاحات، بایستی در قالب اصلاح فرمول مستمری و افزایش سن بازنشستگی تدوین گردد (محقق‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹:۳۰۷).

اهمیت ارزیابی پایداری مالی در سازمان تامین اجتماعی از آنجا آشکار می‌گردد، که بررسی‌ها نشان می‌دهد، این سازمان در آینده نزدیک با بحران‌های مالی جدی مواجه خواهد شد. کاهش نرخ تولد از یکسو و افزایش سن افراد از سوی دیگر، منجر به افزایش چشم‌گیر میزان جمعیت بازنشستگان شده است. پیشی گرفتن رشد مصارف نسبت به منابع، در سازمان تامین اجتماعی هم به‌عنوان چالش و هم به‌عنوان پیامد سایر چالش‌ها، مشهود است.

عدم هماهنگی سیاست‌های کلان و تامین اجتماعی، موجب عدم کارآیی سازمان در بلندمدت خواهد شد. اصلاحات اعمال شده در تثبیت مستمر فرآیند اقتصاد بازار مبتنی بر رقابت آزاد از طریق اعمال سیاست‌های اقتصادی، خود عامل مکمل و مهمی در راه حصول به نتایج مثبت عملکرد تامین اجتماعی محسوب می‌شود، زیرا بهترین و موثرترین راه کمک اجتماعی در سطح جامعه از طریق آزادسازی اقتصاد، یعنی کاستن از مقررات و محدودیت‌های دولتی در اقتصاد در قبال مشارکت بیشتر بخش خصوصی با هدایت و نظارت دولت‌ها و اعمال سیاست‌های پولی و مالی صحیح و پایداری مالی با هدف ایجاد اشتغال کامل، تعادل در عرضه و تقاضای کالا و خدمات، تثبیت نرخ تورم و در نهایت توزیع عادلانه درآمدها، امکان‌پذیر است. (پوپوویک و همکاران^۱، ۲۰۱۷:۹).

پایداری مالی بلندمدت یک سیستم تامین اجتماعی، ممکن است بر اساس ترازنامه آن، یعنی کفایت منابع درآمد آتی برای پوشش تعهدات آن ارزیابی شود. در بررسی انجمن بین‌المللی تامین اجتماعی^۲ (ISSA، ۲۰۱۸)، با عنوان گزارش اکچوئری و مالی تعهدات تامین اجتماعی، این روش برای ارزیابی

1. Popovic T et al

2. International Social Security Association

صحیح پایداری مالی بلندمدت یک سازمان اجتماعی توصیه شده است. پایداری مالی یک سیستم تامین اجتماعی تحت تاثیر عوامل مختلفی مانند رشد اقتصادی یک کشور، مشخصات جمعیتی آن و همچنین توانایی تامین مالی سیستم است.

رشد اقتصادی یک کشور از طریق نرخ مشارکت نیروی کار، نرخ بیکاری و رشد درآمد شرکت کنندگان بر مشارکت‌ها و هزینه‌های سیستم، تاثیر می‌گذارد. در حالی که نوسان این عوامل تاثیر فوری بر مشارکت‌های سیستم تامین اجتماعی دارد، ممکن است مدتی طول بکشد تا تاثیر آن بر هزینه‌ها دیده شود. با این حال، حجم کمتر مشارکت‌ها منجر به کاهش دارایی‌ها می‌شود که به میزان بیشتری نسبت به تعهدات، کاهش می‌یابد. نرخ مرگ و میر بر هزینه‌ها تاثیر می‌گذارد. در سناریوی نرخ مرگ و میر بالاتر، افراد کمی کمتر به سن بازنشستگی می‌رسند و دوره پرداخت برای ذی‌نفعان کوتاه‌تر است. سناریوی نرخ مرگ و میر کمتر منجر به افزایش امید به زندگی و در نتیجه هزینه‌های بالاتر است. به این ترتیب، اطمینان از پایداری مالی بلندمدت طرح پایه مستلزم ارزیابی منظم ویژگی‌ها و رابطه بین دارایی‌ها و تعهدات آن است.

باتوجه به اهمیت پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی، ارائه الگوی مناسب برای ارزیابی پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی ضرورت دارد. شناسایی چالش‌های سازمان تامین اجتماعی از این منظر مهم است که برای شناسایی راه‌کارهای بهبود پایداری مالی، کمک می‌کنند. در این زمینه «طراحی مدل پایداری مالی در سازمان تامین اجتماعی با تمرکز بر اصلاحات پارامتریک» انجام شده است که صرفاً به اصلاحات پارامتریک توجه شده است. در این مدل به همه ابعاد موثر بر پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی پرداخته نشده است. این پژوهش با بازنمایی چالش‌های تامین اجتماعی و شناسایی عوامل موثر بر پایداری مالی در سازمان و ارائه یک الگوی پایداری مالی، مبنایی برای اصلاح مقررات و بهبود فرآیندها فراهم می‌سازد که می‌تواند پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی را بهبود بخشد.

در ادامه، ابتدا ادبیات پژوهش در زمینه پایداری مالی، ارزیابی پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی، بررسی خواهد شد. سپس، روش شناسی، یافته‌ها، ارائه مدل، بررسی عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها، ارائه خواهد شد و در انتها نتیجه‌گیری پژوهش و پیشنهاداتی برای انجام پژوهش‌های آتی، ارائه شده است.

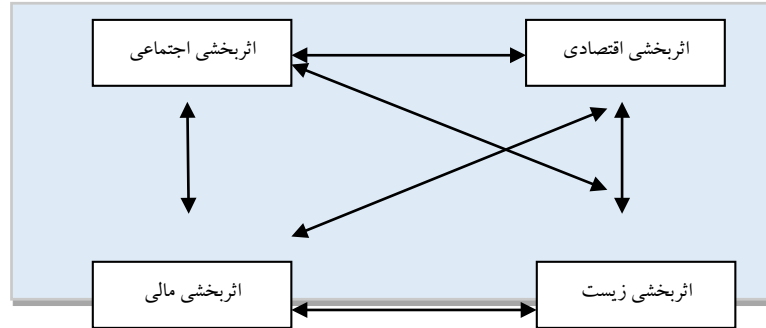
ادبیات پژوهش

پایداری مالی عبارت است از «رفع نیازهای مالی حال حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود». همچنین، کمیسیون جهانی محیط زیست در تعریف پایداری شرکت بیان می‌کند که پایداری، اصلی اساسی برای تغییر جهانی و ماندن به‌عنوان وسیله‌ای برای برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن توانایی‌های نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود است. اصطلاح پایداری دربرگیرنده تمامی فعالیت‌های مربوط به تولید و رشد اقتصادی است؛ به‌شرطی که منابع طبیعی و زیست‌محیطی که جوامع حال و آینده به آن وابسته‌اند، حفظ شود. در سال ۲۰۰۲، شرکت‌کنندگان اجلاس توسعه پایدار جهانی به این نتیجه رسیدند که شرکت‌ها نقش مهمی را در «تغییر الگوی مصرف و تولید» در آینده بازی می‌کنند (خدای پور و شفیع‌ی همت آباد، ۱۳۹۲: ۲).

پایداری مالی^۱ در برهه‌ای از زمان در برخی کشورها از جمله آمریکا، کانادا و بریتانیا، چالش برانگیز بوده است. مطالعات جامعی در این خصوص پس از سال ۲۰۰۰، یعنی زمانی که موضوعاتی از جمله تاثیر برنامه‌هایی مانند مدیکیر^۲ در آمریکا یا شکاف مالیات (که برتباط مالیاتی تاکید دارد) برای اولین بار مطرح شدند، به چاپ رسید. یکی از معروف‌ترین آنها، گزارش پایداری مالی توسط خزانه بریتانیا در سال ۲۰۰۴ بود. البته سازمان‌هایی مانند صندوق بین‌المللی پول^۳ نیز با ارزیابی میزان پایداری در تمام کشورهای عضو گروه جی هفت^۴، توجه زیادی به آن داشته است. بنابراین، آنچه که به مثلث پایداری معروف است، باید به چهارگوش پایداری توسعه داده شده و مفهوم پایداری مالی نیز به آن اضافه شود (شکل ۱ را مشاهده کنید). برخی ممکن است بیان کنند که پایداری مالی در پایداری اقتصادی مستتر است، اما باید بیان داشت که اثربخشی اقتصادی به مفاهیم بسیار انتفاعی مانند سود و زیان، اشاره دارد، در حالی که پایداری مالی، دارای افق زمانی بلندمدت‌تری بوده و طبق تعریف به شدت تحت تاثیر سیستم سیاسی است و صرفاً در حوزه مسئولیت‌های مدیریت قرار ندارد.

-
1. Fiscal Sustainability
 2. Medicare
 3. International Monetary Fund
 4. G7

شکل (۱): اثربخشی ابعاد پایداری مالی

منبع: آندریاس برگمن (۲۰۱۰)^۱

تامین اجتماعی به‌طور کلی، شامل حمایت‌های اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی و امداد و نجات و از جمله اصلی‌ترین تثبیت‌گرهای امنیت اجتماعی و روانی در جوامع امروزی است. اصل ۲۹ قانون اساسی، برخورداری از تامین اجتماعی را همگانی دانسته و دولت را موظف کرده است تا خدمات و حمایت‌های مالی و تامین اجتماعی را برای همه افراد کشور از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، تامین کند. توزیع نابرابر درآمد و شکاف درآمدی بین فقرا و ثروتمندان، در کنار شوک‌های اقتصادی، که به راحتی می‌تواند سفره بسیاری از مردم کم درآمد را خالی کند، نیاز به تامین اجتماعی را الزامی می‌کند. از سوی دیگر، از کارافتادگی به علت کهولت سن، بخشی از افراد جامعه را از بازار کار خارج کرده و سربار نسل جوان می‌سازد. مفهوم اصلی نظام تامین اجتماعی این است که در مواردی که معضلاتی در کسب درآمد افراد جامعه به عللی از جمله بیکاری، بیماری و سالمندی پدید آید، حمایت افراد از منظر جبران درآمد، به عهده نهاد تامین اجتماعی است. این نهاد یکی از مهمترین و اساسی‌ترین نیازهای توسعه اقتصادی است و به‌عنوان مهمترین اهرم برقراری عدالت اجتماعی و رفاه عمومی محسوب می‌شود. در مورد بیمه‌های اجتماعی که از طریق دریافت حق بیمه از شاغلان، تامین مالی می‌شوند، مساله اساسی افزایش بار تکفل جامعه

1. Andreas Bergmann

است که به معنی کاهش نسبت جمعیت شاغل به عنوان پرداخت کننده حق بیمه است که نیاز بازنشستگان را تامین می کند (راغفر و اکبریگی، ۱۳۹۴: ۴۶).

اگرچه بسیاری از شرکت‌ها مدیریت پایداری را بررسی کرده و گزارش‌های پایداری را منتشر می‌کنند، اما تمرکز اصلی آنها در این تلاش نامشخص است. غالباً به نظر می‌رسد که مسائل پایداری به‌طور تصادفی از یک استراتژی روشن دنبال می‌شوند؛ از یک سو، تحقیقات برای شناسایی و تعیین جنبه‌های مجزا در رابطه با ابعاد اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی پایداری انجام شده است؛ دستورالعمل‌های تهیه گزارش پایداری، نمونه‌های رایج در این زمینه است. از سوی دیگر، استفاده از دانش علمی با استفاده از راهکارهای خاص پایداری قابل تشخیص است؛ به عنوان مثال، می‌توان به استراتژی‌هایی که در جهت‌گیری داخلی و خارجی تعهد پایداری متمرکز هستند، اشاره نمود. استراتژی‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که در جهت بهبود عملکرد از نظر موضوعات مشخص شده کار کنند، اما در بسیاری موارد، ارتباط بین جنبه‌ها و استراتژی‌های پایداری در عمل از دست می‌رود. در این مقاله با توسعه جنبه‌های ویژه برای استراتژی‌های پایداری، این شکاف محدود شده است. با توجه به ویژگی‌های استراتژی‌های مختلف پایداری، موضوعات اصلی پایداری قابل تعیین است که باید برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار، به‌طور موثر اجرا شوند (بامگارتر^۱، ۲۰۱۴: ۲۵۹).

سیستم‌های تامین اجتماعی، ابزار مهمی هستند که با استفاده از آنها می‌توان انسجام اجتماعی، ترویج درج فعال و مقابله با نابرابری‌ها در جامعه را فراهم کرد. در این نقش‌ها، مقابله با نابرابری درآمدی، تنها یک هدف است. سیستم‌های تامین اجتماعی همچنین، به رفع نابرابری‌های دیگر، از جمله بین نابرابری جنسیتی در فرصت‌های بازار کار یا دسترسی به خدمات درمانی و خدماتی کمک می‌کنند و به افراد امکان می‌دهند تا خطرات را کاهش دهند و به توانمندی‌های خود در طول زندگی پی ببرند. سازمان تامین اجتماعی می‌تواند با زیرساخت و ابزارهای موجود، هدف توسعه قرار بگیرد، اما توسعه بدون عدالت اجتماعی مفهومی ندارد و رسیدن به عدالت اجتماعی نیز بدون تامین اجتماعی میسر نمی‌شود. در بلندمدت، هم‌زمان با بهبود کفایت، کارایی، تساوی حقوق و ثبات برنامه‌ها، موضوع برقراری توازن مناسب میان طرح‌های مشارکتی و غیرمشارکتی، یک چالش محسوب می‌شود. این امر، به‌ویژه

در مورد گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر، مصداق دارد. برای کمک به گسترش دامنه پوشش، وجود نگرش‌های مثبت میان کارگران و کارمندان درباره ارزش سیستم‌های تامین اجتماعی، ضروری است. به‌منظور تضمین تساوی حقوق جمعیت زیرپوشش و تامین مالی مزایای کافی، پرداخت کامل و منظم حق بیمه در برنامه‌های اجتماعی از نوع بیمه‌ای، با هدف حفظ ثبات مالی، ضروری است. تضمین پایش و اعمال حق بیمه‌ها، نیازمند پشتیبانی و حمایت نهادهای قدرتمند، برای الزام قانونی کارگران و کارفرمایان به پرداخت حق بیمه‌ها است. همچنین، به‌منظور تشویق افراد برای پیوستن به تامین اجتماعی، شناسایی مزایا و معایب احتمالی موثر از نظر کارگران، پیش از انتخاب مشارکت، حیاتی است. این موضوع درباره کارگران شاغل در اقتصاد غیررسمی و روستایی، مصداق بیشتری دارد. به عبارتی، تامین اولویت‌ها و نیازهای این گروه از کارگران و پیش‌بینی فرآیندهای راهبری لازم، برای تسهیل شمول آنان ضرورت دارد (پاکروان و خوشنویس، ۱۳۹۷).

ذی‌نفعان تامین اجتماعی نگران توانایی ایفای تعهدات سازمان هستند. آنها علاقه‌مند هستند بدانند که آیا سازمان تامین اجتماعی متناسب با تورم، حقوق و مزایا و مستمری آنها را افزایش می‌دهد و اینکه آیا با ادامه وضعیت موجود سازمان می‌تواند منابع خود را حفظ و ارتقا بدهد؟ این نگرانی حق هر ذی‌نفع تامین اجتماعی است، زیرا آینده نامعلوم برای هر انسانی ایجاد استرس و عدم اطمینان می‌کند. در این ارتباط، می‌توان به مواردی از مشکلات و چالش‌های آینده اشاره کرد؛ اولین مشکل ناعادلانه بودن مستمری‌های پرداختی به صورت بین‌نسلی و هم‌درون‌نسلی است. منظور از نسل افرادی هستند که در یک سال بازنشسته می‌شوند. بی‌عدالتی بین نسلی از این واقعیت ناشی می‌شود که در روش مزایای تعیین شده مستمری، نه براساس کسورات، بلکه بر پایه شاخصی از حقوق و دستمزد پرداخت می‌شود. بنابراین، برای مثال در ایران که میانگین دو سال پایانی مبنای محاسبه مستمری است، یک افزایش ناگهانی در حقوق و دستمزد، مستمری آن نسل را نسبت به بازنشستگان پیشین بسیار افزایش می‌دهد. به‌عنوان مثال، می‌توان به افزایش حقوق معلمان در نتیجه رتبه‌بندی اشاره کرد که نمونه‌های آن در کارکنان دولت بسیار وجود داشته و صندوق بازنشستگی کشوری را با مشکل مواجه کرده است. این بی‌عدالتی می‌تواند در یک نسل نیز اتفاق افتد. بنابراین در این مطالعه با توجه به چالش‌های بیان شده پایداری مالی در تامین اجتماعی امری ضروری است (خندان، ۱۳۹۲: ۶۴).

دارایی (۱۷:۱۳۹۶)، عوامل تعیین کننده پایداری مالی در شرکت‌های سرمایه‌گذاری را بررسی کرد. نتایج پژوهش او نشان داد که هر سه متغیر سود خالص، جمع کل دارایی‌ها و جمع حقوق صاحبان سهام تاثیر معنی‌داری بر پایداری مالی شرکت‌های سرمایه‌گذاری دارند، به طوری که افزایش میزان سودآوری و حقوق صاحبان سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری منجر به افزایش پایداری مالی آنها شده و افزایش میزان دارایی‌ها، کاهش پایداری مالی آنها را در پی دارد. گلاب و همکاران (۲۳۵:۱۳۹۹)، در بررسی اثرات اصلاحات پارامتریک بر پایداری مالی و رفاه بازنشستگان در سازمان تامین اجتماعی به این نتیجه رسیدند که با اعمال اصلاحات پارامتریک (افزایش سن بازنشستگی و تغییر در شیوه شاخص‌بندی مزایا) می‌توان زمان بروز کسری در سازمان تامین اجتماعی را به تاخیر انداخت، اما نمی‌توان سیستم را در بلندمدت پایدار نگه داشت و نیاز به اصلاحات مکمل است. مزیت این شیوه اصلاح آن است، که نرخ جایگزینی برای فرد بدون تغییر می‌ماند و رفاه بازنشستگان از این زاویه تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد.

علیپور، بشکوه و کردستانی (۳۱۵:۱۳۹۹) در پژوهشی به شناسایی و ارائه الگوی چالش‌های سازمان تامین اجتماعی در حوزه منابع و مصارف پرداختند که به طور کلی براساس الگوی این پژوهش، چالش‌های پیشروی سازمان تامین اجتماعی در حوزه منابع و مصارف به شرح سه مقوله اصلی: (۱) مقوله‌ی شرایط اقتصادی و اجتماعی، (۲) مقوله‌ی شرایط زمینه‌ای شامل شاخص‌های سازمان (با محوریت دولت) یا صندوق بودن (با محوریت سه جانبه‌گرایی) تامین اجتماعی، تصویب مقررات و قوانین خارج از ضوابط علم اکچوئری و قواعد نظام‌های بیمه‌ای، نبود الزامات پاسخگوئی سازمان به جامعه، پایین بودن سن بازنشستگی و فاصله با سن امید به زندگی، فرار بیمه‌ای کارگاه‌های متخلف، عدم پرداخت به‌هنگام مطالبات سازمان توسط دولت، پیشی گرفتن رشد مصارف نسبت به منابع درآمدی، سطح و میزان نرخ حق بیمه، سطح و میزان سنوات خدمت مشمول بازنشستگی، افزایش بدهی انباشته دولت به صندوق، مداخله دولت و مجلس در استقلال صندوق، واگذاری شرکت‌های زیان‌ده و کم‌بازده به سازمان، تغییر ترکیب ساختار بیمه‌شدگان از اجباری به حمایتی (با ایجاد مشکل نقدینگی در سازمان)، همسان‌سازی مستمری‌ها و (۳) شاخص‌های نهایی مقوله شرایط مداخله‌گر که عبارتند از ضعف سیستم نظام جامع آماری و مدیریت اطلاعات در سازمان، انتقال

تکنولوژیک (دوره گذار و انتقال به عصر فن آوری / خدمات غیر حضوری)، عدم انسجام در ارائه خدمات و ناهماهنگی در نوع و کیفیت خدمات، ضعف در ساختار برنامه ریزی و بودجه ریزی، ضعف در مدیریت، ذخایر و سرمایه گذاری های سازمان، بنگاه داری سازمان تامین اجتماعی، نبود سازوکار لازم به منظور تهاثر بدهی های دولت با مطالبات سازمان، فرآیندهای ناکارآمد در حوزه های کارکردی سازمان، ضعف در ساز و کار ارزیابی مستمر واحدهای سازمان، ضعف نظام آموزش ضمن خدمت در جهت پرورش کارکنان، ضعف مدیریتی در جهت شناسایی و استفاده از نیروی انسانی متخصص، است که بر اساس یافته های پژوهش هر سه مولفه شرایط اقتصادی، زمینه ای و مداخله گر بر عدم توازن منابع و مصارف سازمان تامین اجتماعی تاثیر گذار بوده اند و مهمترین مولفه ای که باعث بروز عدم توازن بر منابع و مصارف سازمان مورد مطالعه شده است، شرایط مداخله گر می باشد. تاثیر فراوان شرایط مداخله گر و تشدید این تاثیر بر عدم توازن منابع و مصارف به علت تاثیر شرایط زمینه ای بر شرایط مداخله گر می باشد.

پورموسی و خالقی (۳:۱۳۹۳)، در پژوهشی به ایجاد تعادل بین منابع و مصارف طرح های بازنشستگی با استفاده از دانش اکچوئری پرداختند و اعلام نمودند که تعادل بین درآمدها و هزینه های صندوق بازنشستگی یکی از اهداف اساسی، به منظور تداوم فعالیت این صندوق ها می باشد. این مهم با بهره گیری از روش های نوین طراحی و بهره برداری از سیستم ها و ابزارهای پیشرفته، در جهت انجام تعهدات و همچنین بهره برداری اقتصادی و اطمینان بخش از منابع صندوق های بازنشستگی، امکان پذیر می باشد. دانش اکچوئری، با استفاده از تکنیک های ریاضی، تئوری های احتمال و روش های آماری در مسائل مالی که به طور مشخص در بیمه و طرح های مستمری بازنشستگی کاربرد دارد، می تواند این صندوق ها را جهت دستیابی به اهداف خود یاری رساند.

امروزه از آنجایی که صندوق های بازنشستگی کشور از اصلی ترین بازیگران حوزه اجتماعی و اقتصادی کشور به شمار می روند، بحران مربوط به آنها نیز از ابعاد گسترده تری برخوردار است. عدم اتخاذ راهبردهای مناسب در ارتباط با مدیریت این بحران ثبات حوزه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور را با مخاطراتی بسیار جدی روبه رو خواهد کرد، اما آنچه که به یک نگرانی مهم و

اصلی برای خط‌مشی‌گذاران در حوزه تامین اجتماعی تبدیل شده، وضعیت نگران‌کننده صندوق‌های بازنشستگی است، به صورتی که با شاخص پایداری به مرز نگرانی و هشدار رسیده و حتی در برخی از این صندوق‌ها از این مرز عبور کرده‌اند (محقق‌زاده و همکاران: ۱۳۹۹:۳۰۷).

از اواخر دهه ۱۹۹۰، با شروع اصلاحات نوآورانه در سوئد، تعداد فزاینده‌ای از کشورها، سیستم‌های تامین اجتماعی خود را اصلاح نمودند تا سازوکارهای تنظیم خودکار را شامل شود. در این ارتباط، تعدادی اصول تنظیم مختلف ایجاد شده است که دست‌کم دوازده کشور عدم فهرست‌بندی امید به زندگی را از مزایا با تعدیل خودکار مربوط به ورشکستگی تامین اجتماعی، اتخاذ نمودند. هر دو نوع اصلاحات، اصول تنظیم خودکار را برای پایداری از توانمندی سیستم‌های تامین اجتماعی فراهم می‌کنند، اما اکثر آنها در بلندمدت اطمینان از پرداخت بدهی ندارند و نیاز به تنظیمات اضافی دارند (تورنر^۱، ۲۰۱۴).

اصلاحات حقوق بازنشستگی یکی از مهمترین و پیچیده‌ترین اصلاحات اقتصادی نسل دوم هند بود. جریان اصلاحات در حقوق بازنشستگی شامل سوال‌های پیچیده‌ای از امور مالی عمومی، تقسیم بازار کار، اقتصاد سیاسی، توزیع درآمد، علوم رفتاری، اصلاحات اقتصادی و تاثیرات بعدی آن بر جامعه است. به همین دلایل، حقوق بازنشستگی و اصلاحات آن امروز به بحث جهانی درآمده و تلاش می‌شود پاسخی برای "بحران جمعیت" پیدا شود (واتشیری و همکاران^۲، ۲۰۱۳:۱).

پاکروان و خوشنویس (۱۳۹۷:۱)، به بررسی اثر تحولات جمعیتی کشور بر پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که متغیرهای اندازه جمعیت و شاخص نسبت پشتیبانی سازمان، تاثیر مثبتی بر پایداری مالی سازمان در کوتاه‌مدت و بلندمدت دارند. همچنین، تاثیر متغیرهای امید به زندگی و وابستگی جمعیت بر شاخص پایداری مالی سازمان در کوتاه‌مدت و بلندمدت منفی بود.

کریم‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸:۶۳)، به ارائه مدل مفهومی حاکمیت مالی در نظام تامین اجتماعی پرداختند. بر اساس تحلیل داده‌ها و الگوی پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که ثبات مالی به منظور

1. Turner, John A
2. Vanishree M R et al

حفظ توانایی پاسخگویی سازمان تامین اجتماعی در قبال ذی‌نفعان ضرورتی است که با استفاده از راهبردهایی همچون دوراندیشی، مشارکت اثربخش و شفافیت قابل احصا می‌باشد.

خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵:۴۹)، در بررسی ارزیابی مدیریت پایداری در کنار موفقیت‌ها در بازارهای کسب و کار رقابتی، درجات پایداری سازمانی را به پنج سطح مبتدی، پیش‌فعال، منعطف، نوآور و پایدار تقسیم نموده است و دستیابی به پایداری را در گرو قدرت سازمان در مواجهه با تغییرات محیطی خود می‌داند.

علاوه بر این، عملکرد ضعیف صندوق‌های بازنشستگی با دخالت سیاسی ناروا در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری صندوق‌های عمومی مرتبط است (ایمپاویدو و همکاران^۱، ۲۰۰۱).

آک و ویمبی و جولوس^۲ (۲۰۰۵:۳)، در یک پژوهش به ارزیابی پایداری مالی طرح‌های تامین اجتماعی در کنیا پرداختند. آنها بیان می‌کنند که چارچوب نظارتی و نهادی ناکافی، الگوهای نامطلوب جمعیتی، پوشش کم طرح‌های بازنشستگی، فقدان آموزش عمومی موثر در طرح‌های تامین اجتماعی، اقتصاد داخلی، محیط سرمایه‌گذاری و استراتژی‌ها، تاثیر ایدز بر طرح‌های بازنشستگی، از مشکلات نظام تامین اجتماعی این کشور به حساب می‌آید. همچنین، دولت باید اصلاحاتی را با هدف کاهش تعهدات سیستم‌های بازنشستگی خود انجام دهد. این شامل افزایش سن بازنشستگی، ایجاد موانع بازنشستگی پیش از موعد و افزایش طول مدت خدمت مورد نیاز برای واجد شرایط بودن برای بازنشستگی، است.

لویز و پالمر^۳ (۱۹۹۹)، بیان می‌دارند تداوم روند پیری و افزایش نسبت وابستگی سالمندی، افزایش نرخ بیمه تحمیل شده بر جمعیت شاغل و یا کاهش مزایای بازنشستگان یا هر دو را ایجاد می‌کند. امید به زندگی به‌طور مداوم در حال افزایش است و در نتیجه حقوق بازنشستگی برای دوره‌های طولانی‌تری نسبت به گذشته پرداخت می‌شود.

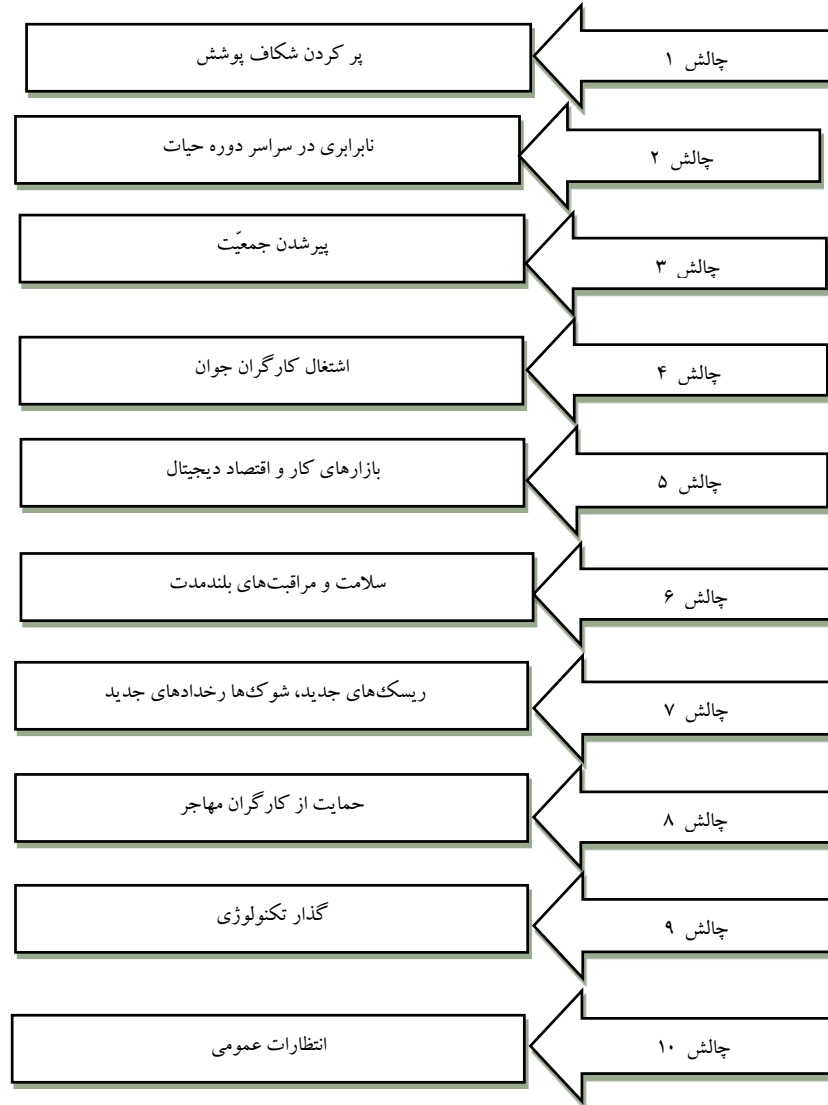
انجمن بین‌المللی تامین اجتماعی در سال ۲۰۱۶ چالش‌های تامین اجتماعی را شناسایی کرده است.

1. Impavido, G et al

2. Akwimbi Ambaka William and Julius. M. Malombe

3. Louise F. & E. Palmer

شکل (۲): ۱۰ چالش جهانی تامین اجتماعی

منبع: ۱۰ چالش جهانی تامین اجتماعی^۱

گادینز اولیوراس و همکاران^۱ (۲۰۱۷)، روش‌های بهینه‌ای برای انجام اصلاحات پارامتری معرفی کرده‌اند که با حفظ پایداری سیستم در بلندمدت، نقدینگی سیستم را تضمین می‌کند. در همین راستا، دو سازوکار متعادل خودکار پیشنهاد داده‌اند که با تعیین مقادیر بهینه برای سن بازنشستگی نرمال، نرخ کسورات و تعدیل حقوق بازنشستگی، علاوه بر برقراری تعادل میان منابع و مصارف سیستم و تضمین پایداری بلندمدت آن، نقدینگی سالانه را حفظ می‌کند.

با توجه به ادبیات موجود در زمینه چالش‌های تامین اجتماعی این پژوهش در صدد است تا عوامل مؤثر بر پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی کشور را شناسایی کند و راهبردهایی برای بهبود پایداری مالی سازمان معرفی نماید.

روش‌شناسی پژوهش

تامین اجتماعی یک عنصر کلیدی از استراتژی‌های ملی برای ارتقای توسعه انسانی، ثبات سیاسی و رشد فراگیر است (نچارپور، ۱۳۹۸). سازمان بین‌المللی کار^۲ در سال ۲۰۱۴ اعلام کرد که مقوله تامین اجتماعی از موضوعاتی است که در یک قرن اخیر به دلایل بسیاری از جمله نقش تامین اجتماعی در توسعه اقتصادی کشورها، بازتوزیع ثروت، احیا و ارتقای سلامت و تامین معیشت جامعه، بیشترین توجه را به خود معطوف ساخته است.

سازمان تامین اجتماعی یک سازمان بیمه‌گر اجتماعی است، که مأموریت اصلی آن پوشش کارگران مزد و حقوق بگیر (به صورت اجباری) و صاحبان حرف و مشاغل آزاد (به صورت اختیاری) است. این سازمان اولین، قدیمی‌ترین و بزرگترین سازمان تامین اجتماعی و درمانی در ایران است که متعلق به بیمه‌شدگان است. جمعیت تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی از سال ۱۳۹۴ از ۴۱۳۸۰۷۹۹ نفر، تا سال ۱۳۹۹ به ۴۴۵۲۵۰۱۱ نفر افزایش یافته است و این در شرایطی اتفاق افتاده است که کسری نقدینگی این سازمان در سال ۱۳۹۹، ۱۰۲۹۱ میلیارد تومان بوده، که در سال ۱۳۹۹ به ۲۷۱۱۹ میلیارد تومان رسیده است، و طبق محاسبات اکچوئری اگر وضعیت سازمان بر همین اساس پیش برود، در سال ۱۴۰۵ کسری نقدینگی به ۳۹۰۰۴۵ میلیارد تومان خواهد رسید و این بزرگترین

1. Godínez-Olivares

2. International Labour Organizatio

تهدید برای پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی است (سایت آمار و اطلاعات سازمان تامین اجتماعی، ۱۴۰۰).

پژوهش حاضر دارای یک طرح کیفی است که داده‌های آن با استفاده از نظریه پردازی زمینه بنیان و روش نمونه گیری گلوله برفی جمع آوری شده است. داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان ابتدا با استفاده از نرم افزار Maxqda 2020 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت به شکل دستی ویرایش و تجزیه و تحلیل نهایی انجام شد. نمونه آماری شامل ۱۹ نفر از خبرگان حرفه‌ای تامین اجتماعی است که در حوزه پژوهش صاحب نظر بوده‌اند. جدول شماره (۱)، ویژگی‌های خبرگانی که با آنها مصاحبه انجام شده است را نشان می‌دهد.

جدول (۱)، ویژگی‌های خبرگان مصاحبه شونده

| میار اصلی | جنسیت | رشته تحصیلی | مدیرک تحصیلی | سابقه کاری | حوزه تخصص |
|-----------|-------|-------------|----------------|------------------------------------|-------------------------------|
| میار اصلی | مرد | حسابداری | کارشناسی ارشد | ۱۰ تا ۲۰ سال | هیئت علمی دانشگاهی و پژوهشی |
| تعداد | ۱۶ | ۲ | ۲ | ۲ | ۵ |
| | زن | اقتصاد | دکتری | بیشتر از ۲۰ سال | حقوق |
| | | مدیریت مالی | کمتر از ۱۰ سال | حسابداری، حسابرسی، بودجه و مالیاتی | اقتصاد، مدیریت و سرمایه گذاری |
| | | سایر | | | |
| | | | | | |
| | | | | | |
| | | | | | |
| | | | | | |
| | | | | | |
| | | | | | |
| | | | | | |

یافته‌های پژوهش

در نظریه پردازی زمینه بنیان، استخراج اطلاعات از متن‌ها و تحلیل اطلاعات و در نهایت استخراج مدل و نظریه طی سه مرحله اصلی (گذرانداری باز، محوری و انتخابی) انجام می‌شود. سه عنصر اصلی نظریه داده بنیاد، عبارتند از مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌ها. مفاهیم، واحدهای اصلی تحلیل را تشکیل

داده‌اند. رسیدن به نظریه، نتیجه مفهوم‌سازی از داده‌ها است. عنصر دوم نظریه داده بنیاد، مقوله‌ها هستند. مقوله‌ها در حقیقت حاصل گروه‌بندی مفاهیم هستند. سومین عنصر نظریه بنیانی گزاره‌ها هستند. برای این امر، جدول طراحی و یک سری کدهای فرعی از مصاحبه‌هایی که انجام شده است، استخراج شده‌اند. پس از گردآوری نکات کلیدی و مفاهیم، اطلاعات دسته‌بندی شده در قالب جدول نتایج کدگذاری بر اساس کد اصلی، کد فرعی و کد ثانویه ارائه شده‌اند. در فرآیند کدگذاری باز حول محور مقوله محوری به‌عنوان شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی، تعاملات و پیامدها سازماندهی شده و در انتها مدلی که دربردارنده عوامل موثر بر پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی است، ارائه شده است. هر مصاحبه، قبل از انجام مصاحبه بعدی کدگذاری و تجزیه و تحلیل شد. در کدگذاری باز متن هر مصاحبه چند بار خوانده و جملات اصلی آن استخراج و به‌صورت کدهایی ثبت شد. سپس کدهایی که به لحاظ مفهومی با یکدیگر مشابه بودند، به‌صورت دسته‌هایی درآمدند. در کدگذاری محوری، کدها و دسته‌های اولیه که در کدگذاری باز ایجاد شده بودند، با یکدیگر مقایسه و ضمن ادغام موارد مشابه، دسته‌هایی که به یکدیگر مربوط می‌شدند، حول محور مشترکی قرار گرفتند. تمرکز این مرحله در شرایطی بود که به پدیده موردنظر منجر می‌شد. آنگاه کدگذاری انتخابی انجام و متغیرهای اصلی مشخص شد.

کدگذاری باز: نتیجه کدگذاری باز مجموعه‌ای از مقوله‌های مفهومی ایجاد شده از داده‌ها است. به‌عنوان مثال، در بخشی از متن مصاحبه‌ها، در ادامه نحوه ارائه و کدهای شناسایی شده مشخص شده است:

«... باید تأکید کنیم که صندوق‌ها باید به سمت استانداردسازی، به سمت محاسبات بیمه‌ای و اکچوئری حرکت کنند و گرنه قطعاً با بحران جدی مواجه خواهیم بود... نکته دیگه یا مورد دیگه‌ای که به ذهنم می‌رسد از حیث فرآیندی بحث مهم نهاد تنظیم‌گر است. متأسفانه در سیستم بیمه‌ای و سیستم نظام تامین اجتماعی و به‌طور کلی نهاد تنظیم‌گر وجود نداره، نهاد تنظیم‌گر نهادی است که با استقلال اداری و مالی بتواند تصمیمات کلان را در حوزه تامین اجتماعی بگیرد، [محاسبات اکچوئری] رو پاسداری و حمایت کند. از [قوانین و مقررات] که بر مبنای اصول بیمه‌ای تدوین می‌شوند حمایت کند، [نهاد تنظیم‌گر] می‌تواند از [مداخلات دولت] در نظام تامین اجتماعی جلوگیری کند، بنابراین اگر نهاد تنظیم‌گر وجود داشته باشد بسیاری از

مشکلات از جمله [عدم پایداری مالی صندوق‌ها هم مرتفع خواهد شد] یا از حیث فرایندی می‌شود اگر بخواهیم در بحث حقوقی به [نظام دادرسی تامین اجتماعی] اشاره کنم، ما مراجع دادرسی که [پایداری صندوق‌ها] را مدنظر قرار بدهند، کم داریم. بنابراین، ما نیاز داریم یک [نهاد تخصصی دادرسی] در کشور باشد که به اصول بیمه‌ای، مالی، اقتصادی تامین اجتماعی آشنا باشد و بتواند بر مبنای آن، آرای صحیحی صادر کند، این را هم نداریم.

در این متن مصاحبه، مفاهیم «محاسبات اکچوئری»، «نهاد تنظیم‌گری»، «نظام دادرسی تامین اجتماعی» و «اجرای صحیح قوانین بیمه‌ای»، به‌عنوان "راهبردها"، «مداخلات سیاسی» به‌عنوان عوامل زمینه‌ای و «تقویت پایداری مالی» به‌عنوان "پیامدها" در نظر گرفته شده است. در مصاحبه دیگر آمده است؛

«... وقتی که [سیستم‌های اطلاعاتی تامین اجتماعی یکپارچه] شود و این اطلاعات به صورت الکترونیکی و شفاف در معرض عموم قرار گیرد طبیعتاً اثر مستقیمی بر [شفافیت مالی] خواهد داشت، اثر مستقیمی بر نحوه [تصمیم‌گیری] خواهد داشت و نهایتاً بانک جامع اطلاعاتی به وجود خواهد آمد. به نظر بنده عمده‌ترین دلیل دخالت سیاست‌گذاران در حوزه بیمه‌ای و در صندوق‌های تامین اجتماعی یا صندوق‌های بیمه‌ای، عدم درک و عدم شناخت آنها از [تفکیک لایه‌های نظام تامین اجتماعی] است؛ یعنی سیاست‌گذاران به این امر واقف نیستند یا واقف نشدند یا تمایل ندارند که واقف بشوند که [نظام حمایتی از نظام بیمه‌ای کاملاً دو وجه متمایز حوزه رفاهی] هستند. یکی از مهمترین علت‌های ناپایداری صندوق‌های بیمه‌ای همین تداخلات و همپوشانی‌هایی هست که بین نظام حمایتی و نظام بیمه‌ای وجود دارد و منجر به هرز منابع نظام حمایتی و اتلاف در واقع منابع نظام بیمه‌ای و سوءاستفاده از منابع نظام بیمه‌ای، می‌شود.

طبق نقل قول بالا، مفاهیم «سیستم‌های اطلاعاتی یکپارچه» و «تفکیک وظایف نظام حمایتی از نظام بیمه‌ای» به‌عنوان "راهبردها" و «شفافیت مالی» و «تصمیم‌گیری مناسب» به‌عنوان "پیامدها" در نظر گرفته شده است.

کُدگذاری محوری: در کُدگذاری محوری پیوند مقوله‌ها در قالب شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها تعیین می‌شود (استراوس و کوربین^۱، ۱۹۹۰). نتایج حاصل از کُدگذاری محوری با ۹۰ کد اولیه در قالب ۴۵ مقوله فرعی و ۳۱ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند.

کُدگذاری انتخابی: کُدگذاری انتخابی، فرآیند یکپارچه‌سازی و استخراج نظریه است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). گام‌های کُدگذاری انتخابی به شکل واضحی از یکدیگر مجزا نیستند و از طریق یک فرآیند تعاملی، همراه با کُدگذاری باز و محوری انجام می‌شود. برای یکپارچه‌سازی و ارائه مدل نهایی، پس از شناسایی مقوله محوری و ربط دادن سایر مقوله‌ها در قالب پارادایم نظام‌مند نظریه‌سازی داده بنیاد، به پالایش الگوی طراحی شده و پروراندن عوامل اصلی اقدام و مدل نهایی پژوهش به شکل ذیل به دست آمد (شکل ۳). در تحقیقات مختلف معیارهای متفاوتی برای ارزیابی پژوهش‌های کیفی از جمله پژوهش‌های مبتنی بر روش نظریه‌پردازی زمینه بنیان ارائه شده است که یافته‌های پژوهش حاضر از طریق روش کنترل اعضا، ارزیابی گردیده است. کنترل اعضا، تکنیکی است که پژوهش‌گر به وسیله آن یافته‌های خود را از طریق یک یا چند نفر از افراد مطلع تحت بررسی، کنترل می‌کند و این تکنیک جهت تایید تفاسیر پژوهش‌گر بکار می‌رود. در پژوهش حاضر نیز به منظور اعتبارسنجی یافته‌های پژوهش، الگوی مربوطه، به ۷ نفر از مشارکت‌کنندگان ارائه و پس از بحث و بررسی، نظرات تکمیلی آنان دریافت و اعمال شد. همچنین، یافته‌های پژوهش به ۳ نفر دیگر از صاحب‌نظران پایداری مالی که قبلاً در فرآیند مصاحبه مشارکت نداشتند، ارائه و توسط آنها نیز مورد بررسی و ارزیابی و تایید قرار گرفت.

عوامل علی

عوامل جمعیتی: بسیاری از خبرگان مصاحبه‌شونده اعتقاد دارند که عوامل جمعیتی یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار در پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی است. با توجه به اینکه سازمان تامین اجتماعی در اصل یک صندوق بازنشستگی است و در صندوق‌های بازنشستگی، ورودی‌ها و

1. Strauss and Corbin

خروجی‌ها، منابع و مصارف این صندوق‌ها را تشکیل می‌دهند، مهمترین درآمد آنها، درآمد حق بیمه و مهمترین هزینه هم، هزینه پرداخت مستمری است. جابجایی جمعیت و مهاجرت افراد به کشورهای دیگر به‌خصوص از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته، موجب کاهش جمعیت فعال کشورها شده و کاهش مشارکت در نظام تامین اجتماعی و به تبع کاهش جمعیت فراگیری نظام تامین اجتماعی کشورها را ایجاد نموده است. درآمدهای حاصل از حق بیمه، تابع مستقیمی از تعداد افرادی است که تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی قرار گرفته‌اند. اگر جمعیت افزایش پیدا کند و به طور مشخص جمعیت جوان، یعنی هرم سنی و ترکیب سنی هم به گونه‌ای باشد که جمعیت جوان افزایش پیدا کند، بیمه‌شدگان سازمان تامین اجتماعی بیشتر می‌شوند، بنابراین درآمد حق بیمه هم افزایش پیدا خواهد کرد. با وجود اینکه از سال ۱۳۶۵ تا به امروز، امید به زندگی در کشور بیش از ده سال افزایش یافته و به قریب ۷۲ سال رسیده است، اما سن بازنشستگی ۶۰ سال است.

سطح اشتغال: در بیشتر کشورها، تامین مالی نظام تامین اجتماعی کاملاً با وضعیت موجود افراد واجد شرایط دریافت مزایای تامین اجتماعی تطبیق داده می‌شود. برای مثال، فقط مزایایی که جبرانگر از دست دادن موقتی یا دائمی درآمد ناشی از کار هستند، مانند مقرری بیکاری، از محل مشارکت‌های تامین اجتماعی و توسط صندوق‌های بیمه‌ای پرداخت می‌شوند. بیکاری و عدم ثبات و عدم امنیت شغلی در کشور ما باعث ناکارآمدی و ناپایداری صندوق‌های بیمه‌ای شده و بار مالی را به سازمان تحمیل می‌کند.

حوادث قهری: حوادثی که طی سال‌های گذشته در کشور اتفاق افتاده است، مانند سیل، زلزله، آتش‌سوزی و غیره، باعث افزایش تعهدات و پرداخت‌های سازمان در منطقه‌ای که مبتلا به این حادثه بوده، شده است و این امر موجب کاهش جریان‌های درآمدی سازمان شده است.

تحریم‌های اقتصادی: بحث اشتغال که در سال‌های اخیر به‌خصوص پس از مباحث تحریمی که پیش آمده است، به شدت تحت تاثیر قرار گرفته است. عدم راه افتادن کارها و وجود جمعیت جوان و بیکار، باعث می‌شود که ورودی‌های سازمان بسیار کم شود.

مقاومت در برابر کنترل‌ها: به‌طور کلی نظام‌های کنترلی تابع نظام‌های فرهنگی و بسترهای فرهنگی هستند. در ایران، به‌طور کلی در موضوع نظام‌های کنترلی به شدت مقاومت صورت می‌گیرد و رویه شناخته شده‌ای که باید در بحث کنترل‌ها از جمله کنترل‌های داخلی یا کنترل‌های راهبردی، کنترل‌های مالی، بودجه‌ای، برنامه‌ای و غیره رعایت شوند، کنترل‌های خیلی موفق نبوده‌اند.

نسبت پشتیبانی: نسبت پشتیبانی، نسبت جمعیت بیمه‌پرداز به جمعیت مستمری‌بگیر است. طبق نظر کارشناسان، در وضعیت موجود برای حفظ پایداری صندوق‌ها، باید به ازای هر مستمری‌بگیر، حداقل ۶ نفر بیمه شده وجود داشته باشد، اما این نسبت در بیشتر صندوق‌های کشور ما از مرز خطر عبور کرده است. بر اساس آماري که در سال ۱۳۴۰ ارائه شده، صندوق تامین اجتماعی که یک صندوق نوپا، جوان و درآمد محور تلقی می‌شد، به ازای هر ۲۵/۵۱ نفر بیمه شده که حق بیمه پرداخت می‌کردند، فقط یک نفر مستمری دریافت می‌کرد، اما این آمار در سال ۹۷ به ۴/۹۴ رسیده است، که این نسبت در سال‌های اخیر کمتر شده است.

سرمایه‌های انسانی: سیاست‌های ناکارآمد جذب و ارتقای نیروی انسانی، باعث شده است که سازمان بدنه بسیار ناکارآمدی را به ویژه در بخش‌هایی که باید فعالیت‌های تصمیم‌گیری، تدوین راهبرد و سیاست‌گذاری را داشته باشند، مواجه کرده است. منابع انسانی سازمان باید توانمند شود تا مهارت نیروی انسانی در هدایت منابع افزایش یابد.

سیاست‌های بیمه‌ای: با توجه به نظر خبرگان، بازنشستگی پیش از موعد و معافیت‌های بیمه‌ای از مهمترین عوامل ایجاد هزینه و در نتیجه ناپایداری در صندوق تامین اجتماعی هستند. تداخلات و انتظارات نهادهای بیرونی از صندوق‌های بیمه‌ای در حوزه منابع مالی از نمونه تصمیماتی است که در قوانین گرفته شده است. برای مثال، می‌توان به حجم گسترده تخفیفات و معافیت‌های بیمه‌ای اشاره کرد. همچنین، بازنشستگی‌های پیش از موعد که معطل جدی در راه پایداری صندوق‌های بازنشستگی هستند. قوانینی مانند قانون تکمیل تکلیف تامین اجتماعی اشخاصی که ۱۰ سال و کمتر حق بیمه پرداخت کرده‌اند. این قانون، سازمان را مکلف به پرداخت مستمری بازنشستگی به افرادی نموده است، که حداقل ۱۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه دارند و به سن بازنشستگی مندرج در ماده

۷۶ قانون رسیده‌اند. بدتر از آن، این قانون به افرادی که کمتر از ۱۰ سال سابقه پرداخت بیمه دارند، اجازه می‌دهد کسری سابقه خود را تا ۱۰ سال به صورت یکجا پرداخت نمایند و بازنشسته شوند. این قانون موجب بازنشسته شدن جمعیتی از بیمه‌پردازان شده است که فاصله زیادی تا دریافت مستمری دارند. هزینه تحمیلی این بازنشستگان به سازمان تامین اجتماعی بیشتر از درآمدهای وصولی از محل این حق بیمه می‌باشد. بنابراین، در طول حیات یک طرح بیمه اجتماعی از مهمترین موضوعات وضعت منابع و مصارف آن و رسیدن به شرایط مناسب جهت تامین مالی تعهدات است. دولت از یک سو، به منظور کاهش بیکاری جوانان، از طرح‌های پیش از موعد بازنشستگی حمایت می‌کند. همچنین، کارفرمایان نیز از بازنشستگی پیش از موعد حمایت می‌کنند، زیرا از این طریق می‌توانند، هزینه‌های نیروی کار خود را از منابع سازمان تامین اجتماعی پرداخت کنند و نیروهای جدید استخدام کنند و کارگران نیز خود از بازنشستگی پیش از موعد نفع می‌برند، زیرا با تعداد سال‌های کمتر پرداخت حق بیمه، تعداد سال‌های بیشتری مستمری دریافت می‌کنند. این قانون افزایش چشمگیر تعهدات بلندمدت و ناپایداری مالی صندوق تامین اجتماعی را به دنبال دارد. با عطف به بند ج ماده ۷ قانون ساختار، ماده ۷۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۹۵ و ماده ۷ قانون برنامه ششم توسعه مصوب ۹۵، که صراحتاً بر این موضوع تاکید شده است که دولت نمی‌تواند بار مالی زائد بر صندوق‌های بیمه‌ای تحمیل کند و در صورت چنین اتفاقی، باید حتماً در بودجه‌های سنواتی، این امر پیش‌بینی شود؛ هرچند که همین حکم هم دارای ایراد است و دولت نباید دخالتی در منابع سازمان داشته باشد. این دخالت‌ها در عمل، استقلال منابع بیمه‌ای را به شدت دچار مشکل کرده است. برخی از نهادها یا مراجع بیرونی که با تصمیمات خود در منابع صندوق تامین اجتماعی دخل و تصرف می‌کنند (مانند دولت، مجلس، شورای نگهبان، قوه قضائیه)، پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی را به مخاطره می‌اندازند.

عوامل زمینه‌ای

عوامل اقتصادی / سیاسی: براساس نظر مصاحبه‌شوندگان، ناکارآمدی سرمایه‌گذاری صندوق‌ها، ناشی از ضعف در فضای اقتصاد کلان کشور، تغییرات و نوسانات متعدد نرخ ارز، محدودیت در تامین منابع لازم جهت سرمایه‌گذاری به دلایل سیاسی، تاثیر غیرقابل انکار ضعف سرمایه‌گذاری در سطح کلان کشور

و به تبع موجب ایجاد چالش در تامین منابع مالی تامین اجتماعی شده است. با افزایش نوسانات ارزی و کاهش تولید و سرمایه‌گذاری در کشور، کارفرمایان بزرگ و پرداخت‌کنندگان حق بیمه متضرر شده‌اند و اولین اقدامی که انجام داده‌اند، کارگران و بیمه‌شده‌ها را تعدیل نمودند که باعث کاهش منابع مالی صندوق تامین اجتماعی شده است. به عبارتی، از این طریق هم باعث کاهش در جامعیت فراگیری تامین اجتماعی شده‌اند و هم منابع درآمدی که از محل حق بیمه تامین اجتماعی دریافت می‌شده است، را کاهش داده‌اند که این مشکلات، پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی را به مخاطره انداخته است.

بسترهای فرهنگی: در گذشته، بسیاری از سیاست‌مداران، برنامه‌ریزان و دولت‌ها، مفهوم توسعه را تنها در مقوله اقتصاد معنا می‌کرده و در جهت تحقق آن تلاش می‌کردند. به اعتقاد کارشناسان، توسعه تنها با تکیه بر اقتصاد، فراهم‌کننده شرایط ساختاری خاصی است که خود تشدیدکننده توسعه نیافتگی می‌باشد و تداوم و بقای یک جامعه را متزلزل می‌کند و از همین رو، باید مقوله فرهنگ مورد توجه ویژه قرار گیرد. توسعه در بخش‌های مختلف جامعه بدون توسعه فرهنگ، مانا و پایدار نمی‌باشد و بی‌توجهی به این مقوله، روند رشد و توسعه یک جامعه را کند کرده و با اختلال مواجه می‌سازد. از این رو باید نگاه ویژه‌ای به مقوله فرهنگ‌سازی داشت و این باور را که توسعه پایدار و پویا از مسیر توسعه فرهنگی گذر می‌کند، در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های کلان به منصفه ظهور رساند.

سیاست‌گذاری بیمه‌ای: به نظر خبرگان، حاکمیت در حوزه سیاست‌گذاری و حکمرانی از دو منظر، باید تامین اجتماعی را در سطح حداکثری (گسترش چتر بیمه برای آحاد مردم) فراگیر کند؛ اول، از منظر وظایف حاکمیتی تصریح شده در قانون اساسی و دوم، از منظر کنترل و مدیریت هزینه‌های حکمرانی و اثرات خارجی آن که به ویژه در حوزه سلامت، امنیت، بحران‌ها، وقایع طبیعی به‌طور قابل توجهی نظام اقتصادی و اجتماعی جامعه و حاکمیت را متاثر می‌کند.

عوامل مداخله‌گر

مساله منابع / مصارف: به اعتقاد خبرگان، مردم در کشورهای پیشرفته عمر طولانی‌تری دارند و این مساله ضرورتاً به معنای صرف هزینه‌های بیشتر برای تامین اجتماعی و درمان و مراقبت آنها است. در

قانون تامین اجتماعی پیش‌بینی شده است که حدود یک‌سوم حق بیمه‌های وصولی برای امر درمان بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران اختصاص یابد، اما به مرور زمان و تغییر در روند فعالیت اقتصادی جامعه و با افزایش قیمت‌ها، چه در زمینه ساخت و ساز و چه در تجهیزات، دارو و غیره، سازمان ناچار از تحمل هزینه‌هایی است که بعضاً از میزان مقرر در قانون تامین اجتماعی فراتر رفته و این در ناپایداری مالی صندوق اثر مستقیم دارد.

انتصابات مدیریتی: خبرگان اعتقاد داشتند که مدیریت سرمایه‌گذاری‌های سازمان در بسیاری از سطوح مدیریت، غیر حرفه‌ای و سیاسی بوده و بسیاری از مقامات کشور وقتی به اتمام کار در پست خود (مثل نمایندگان مجلس یا مقامات دولتی) می‌رسند، یکی از جاهایی که بسیار زیاد در آن مشغول به فعالیت می‌شوند، شرکت‌های سازمان تامین اجتماعی است. نگاه سیاسی، انتخاب سیاسی مدیران، ورود افراد غیر حرفه‌ای، شرکت‌هایی که از اول هم شاید کارآمد نبودند، و نیاز به اصلاح ساختار اساسی برای سودآور کردن یا ارزشمندشدن برای خروج سازمان از این شرکت‌ها را داشتند، تحت تاثیر این نوع مدیریت، نتوانستند اصلاحات لازم را در این شرکت‌ها انجام دهند. این مجموعه باعث شده است که سرمایه‌گذاری‌های سازمان، تاثیر بسیار ناچیزی در تامین منابع مالی سازمان داشته باشد. بسیاری از این شرکت‌ها، تبدیل به سرمایه‌های غیرمولدی شده‌اند که حتی بعضاً نگاه داشت آنها، هزینه‌هایی را به سازمان تحمیل می‌کند.

امنیت سرمایه‌گذاری: به اعتقاد خبرگان، حدود ۵ یا ۶ درصد درآمدهای سازمان تامین اجتماعی از محل درآمدهای سرمایه‌گذاری است که می‌تواند ناشی از عملکرد نامطلوب سرمایه‌گذاری‌ها باشد. سرمایه‌گذاری سازمان تامین اجتماعی خیلی پر ریسک و کم بازده بوده‌اند. سرمایه‌گذاری صندوق‌های بیمه‌ای معمولاً باید هم کم‌ریسک باشند و هم قابلیت نقدشوندگی بالایی داشته باشند، زیرا مستمری‌ای که به بازنشستگان داده می‌شود، یک مستمری با مزایای معین است. به عبارتی، باید مستمری قطعی و معین باشد. بررسی‌ها نشان داده‌است، سرمایه‌گذاری‌های تامین اجتماعی، اغلب پرریسک هستند.

انباشت بدهی دولت: براساس نظر مصاحبه‌شوندگان، یکی از مهمترین بحث‌هایی که در پایداری مالی تامین اجتماعی وجود دارد، بدهی‌های دولت است. عدم پرداخت بدهی دولت به سازمان تامین

اجتماعی به بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. از طرف دیگر، دولت برای کاهش بدهی‌ها، شرکت‌های در مانده مالی را به سازمان تامین اجتماعی واگذار می‌کند.

راهبردها

محاسبات اکچوئری: خبرگان اعتقاد داشتند که صندوق‌ها باید به سمت استانداردسازی و محاسبات بیمه‌ای و اکچوئری حرکت کنند. ارائه گزارش‌های منظم، امکان پایش و رصد وضعیت مالی را فراهم می‌سازد و بر پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی و کنترل آن اثرگذار است.

نظام نظارتی/کنترلی: اگر فرآیند نظارت و کنترل مشمولان، به درستی در نظام تامین اجتماعی اجرا شود و مشخص گردد که چه افرادی صلاحیت دریافت امتیازات و مزایا را دارند، می‌تواند بخشی از هدررفت منابع صندوق‌های بازنشستگی را کاهش دهد. کارآیی موثر نظام نظارت و ارزیابی کنترل سرمایه‌گذاری‌ها، انطباق سرمایه‌گذاری‌ها با اهداف تعادل مالی و استراتژی‌های سازمان را شکل خواهد داد و باعث افزایش پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی خواهد شد.

نظام چندلایه تامین اجتماعی: خبرگان اعتقاد داشتند که نظام چندلایه تامین اجتماعی باید اجرا شود. یکی از مواردی که در کشورهای پیشرفته در حال حاضر دنبال می‌شود، نظام‌های چندلایه است که برای سامان بخشیدن به وضعیت نظام‌های تامین اجتماعی از سوی نهادهای بین‌المللی ارائه و مورد تاکید قرار گرفته است. در این طرح، لایه‌های ابتدایی برای هدف مبارزه با فقر طراحی شده‌اند و هرچه به لایه‌های بالاتر می‌رویم خدمات بیمه تکمیلی و مکمل لایه‌های قبل برجسته‌تر می‌شوند. برای استقرار نظام تامین اجتماعی چندلایه، برخی از استانداردها بر اساس تجربیات کشورهای مختلف توسط سازمان بین‌المللی کار تعریف شده است و بازنگری استانداردها به صورت مستمر در حال انجام است. در حال حاضر، نسل چهارم استانداردها مورد توجه قرار دارد. لازم است این نظام‌های چندلایه در کشور بومی‌سازی شده و به مرحله‌ی اجرا درآید. این طرح با سیستم فعلی سازمان، تقریباً قابل اجرا نمی‌باشد و در صورت اجرا بسیار پرخطر و پرهزینه است. اگر دولت و مجلس دغدغه رفع مشکل نظام بازنشستگی و مشکل ناپایداری مالی این صندوق‌ها را دارند، باید تحقق نظام چندلایه را در دستور کار قرار دهند.

فضای کسب و کار: یکی دیگر از عوامل مهمی که خبرگان در مصاحبه‌ها بدان اشاره کردند، مشاغل غیررسمی است که باعث می‌شود منابع مالی صندوق‌ها ارتقا پیدا کند؛ مشاغلی که اخیراً رونق پیدا کرده و افرادی که در این مشاغل عضویت و اشتغال دارند، از مزایای نظام تامین اجتماعی محروم‌اند و طبیعتاً بخشی از منابع نظام تامین اجتماعی از این حیث بدست نمی‌آید. بحث تحولات اقتصادی در بازار کار، باعث شده است که مشاغل به سمت کارهای پاره‌وقت و بدون کارفرما پیش برود. اشتغال مجازی یا مبتنی بر اینترنت، بسیار گسترش پیدا کرده است. در سازوکار بیمه‌پردازی که در کشور وجود دارد، انعطاف‌پذیری لازم برای این موضوعات دیده نشده و طبیعتاً بر جمعیت ورودی به صندوق تاثیر دارد. بنابراین، حتماً نیازمند انعطاف‌هایی در قوانین هستیم که شرایط را برای تحت پوشش قراردادن مشاغل غیررسمی و مشاغل بدون کارفرما، افزایش دهد.

اصلاح نظام بازنشستگی: خبرگان اعتقاد داشتند که پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی که به توازن درآمدها و مخارج سازمان تامین اجتماعی گفته می‌شود، مهمترین مخارج سازمان تامین اجتماعی، مخارج بلندمدت آن است که شامل مستمری‌های بازنشستگی است. مستمری‌های بازنشستگی خود به چند دسته تقسیم می‌شود که شامل مستمری‌های بازنشستگی، مستمری‌های از کارافتادگی و بازماندگان، است. مخارج مرتبط با بازنشستگی (چه به صورت نرمال و چه به صورت از کارافتادگی)، باعث افزایش هزینه و کاهش پایداری مالی می‌شود. سن بازنشستگی در ایران به شدت پایین‌تر از کشورهای دیگر دنیا است و حتی نسبت به سن امید به زندگی در ایران نیز، پایین‌تر است. مثلاً افراد در ۵۰ سالگی بازنشسته می‌شوند، در صورتی که تا ۷۰ یا ۸۰ سالگی، امید به زندگی دارند. بنابراین، ۲۰ تا ۲۵ سال دوران مستمری‌بگیری آنها است که نسبت به کشورهای پیشرفته، فوق‌العاده زیاد است. این درحالی است که سن امید به زندگی در ایران افزایش پیدا کرده است، اما سن بازنشستگی زیاد نشده است. از طرفی معیار مستمری، میانگین ۲ سال آخر پرداخت حق بیمه است که برای بسیاری از افراد دارای قدرت، با ارتقا‌های شغلی نسبت به افزایش میانگین پرداخت حق بیمه در دو سال آخر، عدالت مستمری برقرار نمی‌شود. با افزایش سن بازنشستگی و نیز افزایش محاسبه میانگین سال‌های بیشتر برای مستمری، هم عدالت مستمری برقرار خواهد شد و هم پایداری مالی سازمان بهبود خواهد یافت.

اصلاح و بهسازی سیستم‌های تامین مالی: افزایش فشار مالی و ناپایداری صندوق‌ها، موجب شده است، که اصلاح و بهسازی سیستم‌های تامین مالی صندوق‌های تامین اجتماعی از ضرورت و اهمیت بالایی برخوردار گردد. در ایران، این ضرورت بطور کامل درک نشده و اجرای طرح‌های اصلاحی به تعویق افتاده‌اند، تا بتوانند چند سالی کسری منابع/ مصارف صندوق را به تعویق بیاورند. نوع و چگونگی اصلاحات پارامتریک باید بر پایه دو معیار صورت پذیرد؛ نخست، تاثیر اصلاحات بر پایداری صندوق‌ها، که باید معنی‌دار و قابل قبول باشد، و دوم، قابلیت اجرایی شدن آنها؛ البته باید به این مساله توجه داشت که اجرای برخی از این اصلاحات ممکن است نارضایتی عمومی و افزایش توقعات را در پی داشته باشد.

مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها: سرمایه‌گذاری‌ها باید شرط نقدشوندگی بالایی داشته باشند که در زمان نیاز به قیمت منصفانه و در کمترین زمان، نقد شوند. همچنین، بازده مناسبی داشته باشند که در صورت عدم کفایت حق بیمه پرداختی نیروی کار به تامین مالی صندوق کمک شود.

تفکیک وظایف نظام حمایتی/ بیمه‌ای: به نظر خبرگان، عمده‌ترین دلیل دخالت سیاست‌گذاران در حوزه بیمه‌ای و در صندوق‌های تامین اجتماعی یا صندوق‌های بیمه‌ای، عدم درک و عدم شناخت آنها از تفکیک لایه‌های نظام تامین اجتماعی است. یعنی سیاست‌گذاران به این امر واقف نیستند و یا تمایل ندارند که واقف بشوند که نظام حمایتی از نظام بیمه‌ای، دو وجه کاملاً متمایز حوزه رفاهی هستند. متأسفانه انتظاراتی که از نظام بیمه‌ای در سنوات متمادی در کشور ایجاد شده است، انتظاراتی حمایتی است. به همین خاطر است که سیاست‌گذاران در حوزه بیمه‌ای و در منابع مالی صندوق‌های بازنشستگی دخالت و دست اندازی می‌کنند.

یکی از مهمترین علت‌های ناپایداری صندوق‌های بیمه‌ای همین تداخل بین نظام حمایتی و نظام بیمه‌ای است و منجر به اتلاف منابع نظام حمایتی و اتلاف منابع نظام بیمه‌ای و سوءاستفاده از منابع نظام بیمه‌ای می‌شود. در بیشتر کشورها تامین مالی نظام تامین اجتماعی کاملاً با وضعیت موجود افراد واجد شرایط دریافت مزایای تامین اجتماعی تطبیق داده می‌شود. مثلاً فقط مزایایی که جبرانگر از دست دادن موقتی یا دائمی درآمد ناشی از کار هستند (مثل مقرری روزانه بیماری، حقوق بازنشستگی، مقرری بیکاری)، از محل مشارکت‌های تامین اجتماعی و توسط صندوق‌های بیمه‌ای

پرداخت می‌شوند. در مقابل مزایایی که ارتباط مستقیم با تضمین و حفظ سطح زندگی افراد دارند (مثل مراقبت‌های بهداشتی، مزایای خانوادگی، عدم اشتغال جوانان جویای کار)، باید از طریق برنامه‌های مربوط به لایه حمایتی و از طریق همبستگی ملی از محل بودجه عمومی، تامین شود.

یکپارچه‌سازی سیستم اطلاعاتی: نکته‌ای که از حیث فرآیندی باید مورد توجه قرار گیرد، بحث عدم وجود نظام یکپارچه اطلاعات است. بحثی که اخیراً اقداماتی در آن در حال انجام است و تلاش‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته است (از جمله بحث نسخه الکترونیکی که بحث روز تامین اجتماعی است). وقتی سیستم‌های اطلاعاتی تامین اجتماعی یکپارچه شود و این اطلاعات به صورت الکترونیکی و شفاف در معرض دید عموم قرار گیرد، طبیعتاً اثر مستقیمی بر شفافیت مالی خواهند داشت. بنابراین، بحث دولت الکترونیک و نظام یکپارچه اطلاعات، یکی از الزامات نظام تامین اجتماعی است که باعث می‌شود، صندوق‌های بیمه‌ای از حیث فرآیندی به سمت پایداری حرکت کنند.

اجرای شدن تعهدات دولت: سیل قوانین و مقرراتی که بار مالی را به سازمان تحمیل کردند، باعث افزایش قابل توجه مطالبات سازمان از دولت شده و یکی از چالش‌های اساسی سازمان در حال حاضر، پرداخت و نحوه پرداخت بدهی‌های دولت است که دیگر در یک دوره برنامه‌ریزی محدود از محل منابع جاری دولت، امکان تادیه این مطالبات وجود ندارد و دولت ناچار است که دارایی‌های مولد و ارزشمندی را به سازمان منتقل کند. منابع سازمان تامین اجتماعی، بیشتر درگیر پروژه‌های عمرانی دولت، بابت وصول حق بیمه است، تا درگیر رابطه مستقیم بین حق بیمه و کارفرما. اگر ثبات اقتصادی افزایش یابد حل این مشکل ساده‌تر خواهد بود.

پیامدها

شفافیت مالی: وقتی که سیستم‌های اطلاعاتی تامین اجتماعی یکپارچه شوند و این اطلاعات به صورت الکترونیکی و شفاف در معرض دید عموم قرار گیرد، شفافیت مالی افزایش می‌یابد. افزایش شفافیت و اعتمادسازی بیشتر، مسیر انجام اصلاحات را هموارتر می‌کند و رسیدن به پایداری مالی تسهیل می‌شود.

بهبود تصمیم‌گیری مدیران: لازمه سرمایه‌گذاری با بازده مناسب و اجتناب از سرمایه‌گذاری‌های دستوری این است که مدیریت سازمان به دست صاحبان اصلی آن داده شوند؛ یعنی انجمن‌های واقعی کارفرمایان و کارگران که پرداخت کنندگان اصلی این وجوه تامین اجتماعی هستند و درآمد اصلی سازمان از محل پرداخت‌های آنها تامین می‌شود. بازنگری اساسنامه صندوق و قوانین مربوطه، می‌تواند

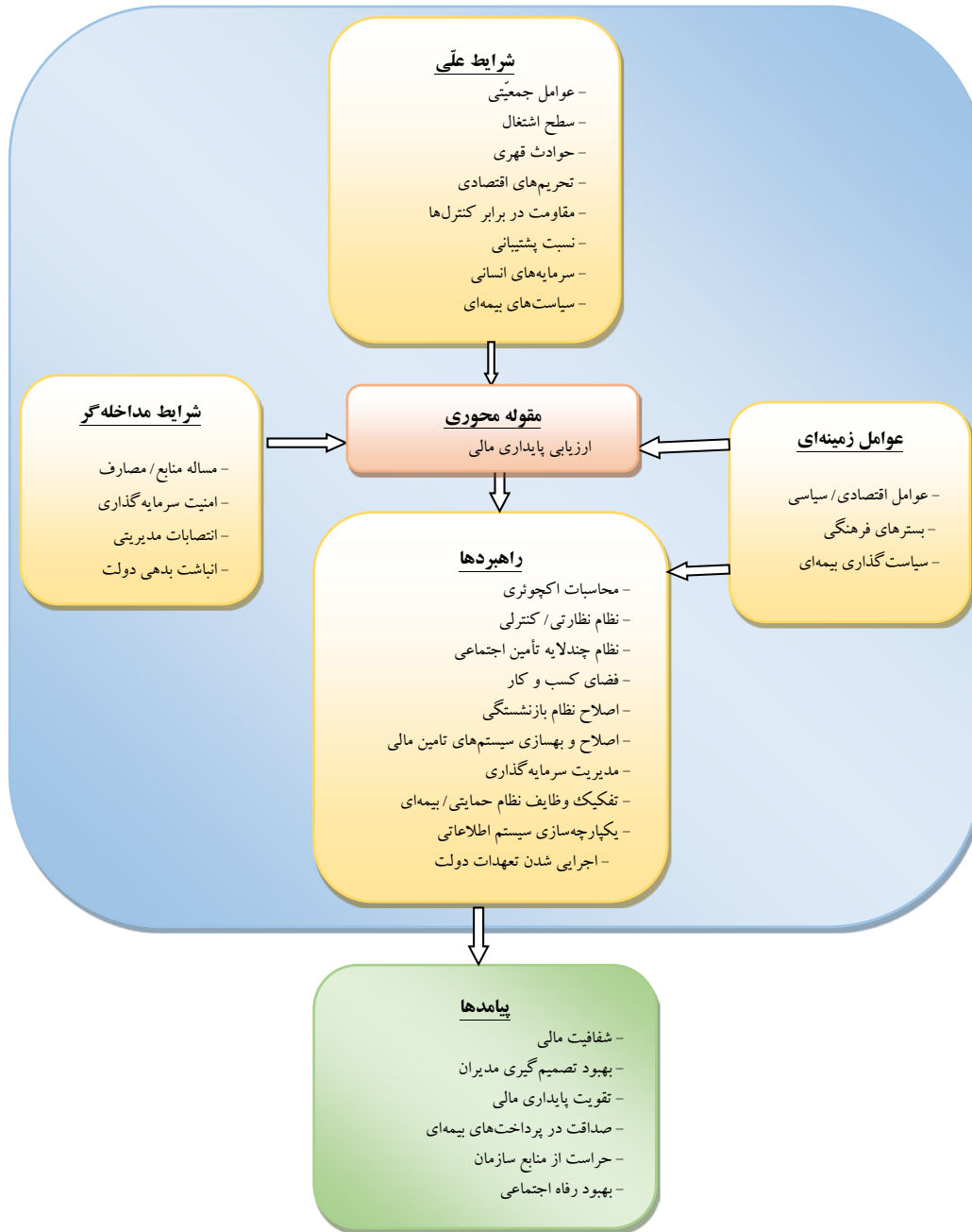
در جهت جلوگیری از دخالت‌های مقطعی نهادهای تصمیم‌گیر، به بهبود و نحوه تصمیم‌گیری برای پایداری مالی سازمان، کمک نماید.

تقویت پایداری مالی: در سال ۱۳۸۹ در بحث همسان‌سازی مستمری‌ها در سازمان، دولت محترم در تیر ماه مصوبه‌ای را گذراند که ۹ شرکت را به ارزش تقریبی ۳۲ هزار میلیارد تومان، به سازمان منتقل کند. از این شرکت‌ها، آنچه که تا الان قطعی و محقق شده است، انتقال ۵/۵ درصد سهام شرکت هپکو است که این شرکت نه تنها کمکی به جریان‌های نقدی و منابع سازمان در بخش سرمایه‌گذاری سازمان نکرده است، بلکه به یک مرکز هزینه‌ای جدی برای سازمان تبدیل شده است و تا به امروز میلیاردها تومان منابع نقدی به شرکت تزریق شده و بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان بدهی بانکی و مالیاتی شرکت از محل مطالبات سازمان از دولت تهاتر شده است. اگر ایفای تعهدات دولت به صورت نقدی باشد و باعث انباشت بدهی‌های دولت نشود (با توجه به تورم و پایین آمدن ارزش پول در سال‌های آتی) و نیز مدیریت مالی صحیح باشد، این عوامل باعث تقویت و بهبود پایداری مالی تامین اجتماعی خواهد شد.

حراست از منابع سازمان: نظام کنترلی سازمان باید به گونه‌ای تقویت شود که منابع سازمان در راستای دستیابی به اهداف، بدرستی مدیریت شود.

بهبود رفاه اجتماعی: سازمان تامین اجتماعی، به‌عنوان بزرگ‌ترین سازمان بیمه کشور که بیش از ۴۰ میلیون نفر بیمه‌شده‌ی اصلی و تبعی و مستمری‌بگیر تحت پوشش خود دارد، نقش مهمی در کاهش فقر و تامین معیشت افراد کشور ایفا می‌کند. با نگاهی به فعالیت صندوق‌های بازنشستگی و نقشی که این صندوق‌ها در تامین معیشت و معاش افراد تحت پوشش خود بر عهده دارند، مشکل پایداری مالی آنها می‌تواند تبعات اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی در سطح جامعه به دنبال داشته باشد.

صداقت در پرداخت‌های بیمه‌ای: فرض کنید سه نفر که ۲۸ سال درآمد و پرداخت حق بیمه مشابه داشتند، اما یکی از آنها در دو سال پایانی، با توجه به شرایط و روابط، ارتقا می‌گیرد و دستمزدش افزایش پیدا می‌کند، یک نفر هم در دو سال پایانی با بیماری و موارد دیگر، دستمزد و درآمدش کم می‌شود و یک نفر دیگر هم شرایط عادی پرداخت بیمه را ادامه و این سه نفر با همین شرایط بازنشسته می‌شوند. این سه نفر با وجود اینکه ۲۸ سال سابقه مشابهی داشتند، اما صرفاً به خاطر سابقه دو سال پایانی، مستمری‌های متفاوتی دریافت می‌کنند و این نشان می‌دهد که این سیستم عادلانه نیست. بنابراین، اصلاح سیستم بازنشستگی و تقویت فرهنگ بیمه‌ای بر پایداری مالی سازمان تاثیر مثبت دارد.



شکل (۳): الگوی ارزیابی پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش کیفی با هدف ارائه مدل ارزیابی پایداری مالی در سازمان تامین اجتماعی با بهره‌گیری از نظر خبرگان انجام شده است. مطابق نظر خبرگان عوامل جمعیتی، سطح اشتغال، حوادث قهری، تحریم‌های اقتصادی، مقاومت در برابر کنترل‌ها، ضریب پشتیبانی، کارآمدی سرمایه‌های انسانی و بازنشستگی پیش از موعد به‌عنوان شرایط علی پایداری مالی سازمان به حساب می‌آیند. چالش‌های شناسایی شده در این پژوهش با برخی از چالش‌های جهانی مطابقت دارد و همچنین، با برخی از چالش‌های ارائه شده در تحقیق گلاب و همکاران (۱۳۹۹)، پاکروان و خوشنویس (۱۳۹۷)، راغفر و اکبریگی (۱۳۹۴)، خندان (۱۳۹۲) مطابقت دارد.

عوامل اقتصادی/سیاسی، بسترهای فرهنگی، مداخلات سیاسی و سیاست‌گذاری بیمه‌ای به‌عنوان عوامل زمینه‌ای و مدیریت منابع/مصارف، امنیت سرمایه‌گذاری، انتصابات مدیریتی و انباشت بدهی دولت به‌عنوان شرایط مداخله‌گر هستند که با برخی از چالش‌های شناسایی شده در تحقیق خندان (۱۳۹۲) مطابقت دارد.

محاسبات اکچوئری، نهاد تنظیم‌گری، نظام دادرسی تامین اجتماعی، اجرای صحیح قوانین بیمه‌ای، نظام نظارتی/کنترلی، نظام چندلایه تامین اجتماعی، فضای کسب و کار، اصلاح نظام بازنشستگی، اصلاح و بهسازی سیستم‌های تامین مالی، مدیریت سرمایه‌گذاری، تفکیک وظایف نظام حمایتی/بیمه‌ای، یکپارچه‌سازی سیستم اطلاعاتی و اجرایی شدن تعهدات دولت به‌عنوان راهبردهای بهبود پایداری مالی محسوب می‌شوند.

شفافیت مالی، بهبود تصمیم‌گیری بیمه‌ای، تقویت پایداری مالی، جریان‌های درآمدی، حراست از منابع سازمان، بهبود رفاه اجتماعی و صداقت در پرداخت‌های بیمه‌ای به‌عنوان پیامدها در نظر گرفته شده است.

راهکارهایی که می‌توانند وضعیت پایداری مالی را در سازمان تامین اجتماعی بهبود بخشند، شامل فراهم نمودن زمینه لازم جهت اجرای تدریجی اصلاحات پارامتریک، استفاده از ظرفیت‌های قانونی برای وصول مطالبات معوق بخش دولتی و خصوصی، تعدیل برخی از محدودیت‌های قانونی کارفرمایان برای پرداخت

حق بیمه، توسعه فراگیر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی به منظور جذب بیمه‌شدگان جدید و کاهش فرار بیمه‌ای هستند که با برخی از راهکارهای تحقیق پوپوویک و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

همان‌طور که در مدل پژوهش آمده است، یکی از موضوعات مهم در بحث پایداری مالی، صداقت و شفافیت مردم در پرداخت‌های بیمه‌ای است. اگر در این حوزه صداقت وجود نداشته باشد، منابعی که از بیمه بدست می‌آید، متناسب با شان اجتماعی و اقتصادی جامعه نیست. به عبارتی، شان اجتماعی و اقتصادی جامعه بالاتر از آن چیزی است که فرد در بازنشستگی دریافت می‌کند. تعهداتی را هم که دولت در این حوزه بر عهده دارد بایستی به موقع پرداخت شود تا این توقع را بتوان از مردم داشت که بیمه را با صداقت و شفافیت و به‌موقع پرداخت کنند. به هر حال، رفتار صادقانه دولت به‌عنوان الگوی مردم مطرح می‌شود. اگر دولت بتواند به‌موقع به تعهدات خود عمل کند، مطمئناً مردم نیز الگوی صداقت و شفافیت را در پیش خواهند گرفت. به سیاست‌گذاران بیمه‌ای پیشنهاد می‌شود، نگاه خود به منابع مالی متراکم در صندوق‌ها، حمایتی نباشد. استفاده از فناوری اطلاعات به‌عنوان یک ابزار اساسی در پایداری مالی می‌تواند به اصلاح ساختاری نظام تامین اجتماعی کمک کند، بهره‌وری را در حوزه‌های بیمه افزایش دهد و شفافیت که زیرساخت مهمی در پایداری مالی تلقی می‌شود را افزایش دهد. برای برون‌رفت از وضعیت ناپایداری مالی فعلی و مصون ماندن سازمان تامین اجتماعی از چالش‌های شناخته شده فعلی، پیشنهاد می‌شود سازمان تامین اجتماعی برای اجرای نظام تامین اجتماعی چندلایه عزم جدی داشته باشد. راهکارها و چالش‌های ارائه شده در این پژوهش با برخی از راهکارها و چالش‌های پژوهش محقق‌زاده و همکاران (۱۳۹۹)، مطابقت دارد. ارائه الگوی عملی اصلاح نظام مدیریت مالی سازمان تامین اجتماعی می‌تواند مورد توجه پژوهشگران آتی قرار گیرد.

منابع

- آمار و اطلاعات سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۰، موجود در پایگاه اینترنتی: www.tamin.ir
- آندریاس برگمن. مدیریت مالی بخش دولتی (۱۳۸۹). ترجمه بتول زارعی، مجله ۲۰۲ سازمان حسابرسی، ۳۰۴-۳۱۰.
- پاکروان، بایرام و خوشنویس، مریم (۱۳۹۷). بررسی اثر تحولات جمعیتی کشور بر پایداری مالی سازمان تأمین اجتماعی با رویکرد خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی. *اقتصاد کاربردی*؛ ۸(۲۷): ۳۵-۴۸.
- خدای پور، احمد و شفیعی همت آباد، حمیده (۱۳۹۲). پایداری شرکت‌ها و سنجش آن، مجله حسابرسی، ۶۹(۱): ۵-۱.
- خندان، عباس (۱۳۹۴). تأمین مالی مستمری بازنشستگی در ایران: چالش‌ها و راهکارهای اصلاحی. تأمین اجتماعی، فصلنامه تأمین اجتماعی، ۱۳(۵): ۵۳-۷۲.
- خیاطیان یزدی، محمد صادق؛ الیاسی، مهدی و طباطباییان، سید حبیب اله (۱۳۹۵). الگوی پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران. *سیاست علم و فناوری*، ۹(۲): ۴۹-۶۲.
- دارابی، رویا (۱۳۹۶). عوامل تعیین‌کننده پایداری مالی در شرکت‌های سرمایه‌گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۹(۳۶): ۱۷-۳۴.
- راغفر، حسین و اکبر بیگی، سپیده (۱۳۹۴). تاثیر تغییرات نرخ جایگزینی در صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی بر موجودی سرمایه، عرضه نیروی کار و پس‌انداز. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۳(۷۵): ۷۴-۴۵.
- علیپور، عباس؛ بشکوه، مهدی و کردستانی، غلامرضا (۱۴۰۰). شناسایی و ارائه الگوی چالش‌های سازمان تأمین اجتماعی در حوزه منابع و مصارف. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۰(۳۷): ۳۱۵-۳۲۴.
- کریم نژاد، شهرام؛ نجف بیگی، رضا؛ دانشفرد، کرم‌الله و عالم تبریز، اکبر (۱۳۹۸). ارائه مدل مفهومی حاکمیت مالی در نظام تأمین اجتماعی (مورد مطالعه سازمان تأمین اجتماعی). *آینده پژوهی مدیریت*، ۳۰(۳ پیاپی ۱۱۸): ۱۴۳-۱۵۸.
- گلاب، سمانه؛ جعفری، هدی و پاشا محمد نوری، علی (۱۳۹۶). پایداری مالی صندوق بازنشستگی کشوری در سناریوهای مختلف، موسسه راهبردهای بازنشستگی صبا.

محقق زاده، مهرداد؛ دامن کشیده، مرجان؛ مومنی وصالیان، هوشنگ؛ افشاری، مجید و دقیقی اصلی، علیرضا (۱۳۹۹). طراحی مدل پایداری مالی در سازمان تامین اجتماعی با تمرکز بر اصلاحات پارامتریک. *اقتصاد کاربردی*، ۱۰ (۳۴ و ۳۵): ۱۵-۲۹.

محقق زاده، مهرداد؛ دامن کشیده، مرجان؛ مومنی وصالیان، هوشنگ؛ افشاری، مجید و دقیقی اصلی، علیرضا (۱۳۹۹). ارزیابی پایداری نظام مستمری مورد مطالعه: سازمان تامین اجتماعی. *رفاه اجتماعی*، ۲۰ (۷۹): ۳۰۵-۳۳۲.

نجاپور، حسینعلی (۱۳۹۸). ارائه مدل ترکیبی برای شناسایی چالش‌های مؤثر بر پیاده‌سازی نظام تامین اجتماعی چندلایه. *تامین اجتماعی*، ۱۵ (۳): ۳۹-۵۴.

نیکوپور، حسام و ریاضی، محسن (۱۳۸۳). سازمان تامین اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی. *فصلنامه تامین اجتماعی*، ۶ (۴): ۱۸۹-۲۰۷.

References

- Alipour, A., Beshkooh, M., Kordestani, G. (2021). Identify and present the model of challenges of the Social Security Organization in the field of resources and expenditures. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 10(37), 315-324. (In Persian).
- Andreas Bergman. Translated by Batool Z. *Public Sector Financial Management 2010, Journal 202 of the Auditing Organization*, pp. 304-310. (in Persian).
- Darabi, R. (2017). Determining Factors of Financial Stability in Investments Companies Accepted in Securities Market. *Accounting and Auditing Research*, 9(36), 17-3 (in Persian).
- Godínez-Olivares, H, M, Carmen Boado-Penas and S. Haberman (2017).
- Gulab S, Jafari H & Pasha M N. A. (2017). Financial Stability of the National Pension Fund in Different Scenarios, *Saba Retirement Strategies Institute*. (In Persian).
- Impavido, G., Musalem, A. R., & Vittas, D. (2002). Contractual savings in countries with a small financial sector.
- Turner, G., J. A. (2014) Financial and political sustainability for social security financing: What options do ciuntries with aging populations have? *Spis trescicontents*, 47.
- Khandan, A. (2015). Funding for retirement pension in Iran: Challenges and corrective strategies. *Social Security Journal*, 13(5), 53-72. (In Persian).
- Khodamipour A & Shafiei Hemmatabad H. (2013). Sustainability of companies and its measurement, *Auditor Magazine*. 69:1-5. (In Persian).
- Karimnezhad, S., Nagafbagy, R., Daneshfard, K., Alamtabriz, A. (2019). Financial Governance Model in Social Security System. *Future study Management*, 30(118), 143-158. (In Persian)
- Khayatian Yazdi, M., Elyasi, M., Tabatabaeian, H. (2016). The Model for Sustainability of Knowledge-based Firms in Iran. *Journal of Science and Technology Policy*, 9(2), 49-62. (In Persian)

- Fox, L., & Palmer, E. (2001). New approaches to multipillar pension systems: what in the world is going on? New ideas about old age security, 90-132.
- Mohagheghzadeh, M. damankeshideh, M. Momeni H. Fesharirad, M & Daghighiasli, A. (2020). Designing a financial sustainability model in the Social Security Organization with a focus on parametric corrections. *Applied Economics*. 10 (34 & 33): 15-29. (In Persian).
- Mohagheghzadeh M, Daman Keshideh M, Momeni Vesalian H, Afsharirad M, Daghighi Asli A. Evaluation of the Sustainability of the Pension System: A Case Study on Iranian Social Security Organization. *Refahj*. 2021; 20 (79):305-332. (In Persian).
- Najjarpour, H. (2019). Integrated Model for Identifying Effective Challenges on the Implementation of a Multi- Pillar System of Social Security. *Social Security Journal*, 15(4), 39-54. (In Persian).
- Nikupur, H., riazi, M. (2005). Social Security Organization and Economic Growth and Development. *Social Security Journal*, 6(4), 189-207. (In Persian)
- Pakravan, Bayram, calligrapher, Maryam. (2019). Investigating the effect of demographic changes in the country on the financial stability of the Social Security Organization with a self-regression approach with distributive interruptions. *Applied Economics*, 8 (27), 35-48. (In Persian).
- Popovic, T., Kraslawski, A., Barbosa-Póvoa, A., & Carvalho, A. (2017). Quantitative indicators for social sustainability assessment of society and product responsibility aspects in supply chains. *Journal of International Studies*, 10(4).
- Raghfar H, Akbarbeygi S. The Effect of Replacement Rate Changes in Social Security Pension Fund on the Capital Stock, *Labor Supply and Saving * Qjerp*. 2016; 23 (75): 45-74. (In Persian).
- Baumgartner, R. J. (2014). Managing corporate sustainability and CSR: A conceptual framework combining values, strategies and instruments contributing to sustainable development. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 21(5), 258-271.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). Basics of qualitative research. Sage publications.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2014). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. Sage publications.
- ILO. "World Social Protection Report: Building economic recovery, inclusive development and social justice". Geneva: International Labour Organization (2014).
- The Fifth Development Plan Law. Is available on the website of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly.
- Vanishree, M. R., Ganesan, R., & Venkatesh, S. (2013). "Social Security through Financial Sustainability of Ageing Population"-A Conceptual Study.
- ISSA. (2016). 10 global challenges for social security. Retrieved from International Social Security Association.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.